



اول فبروری 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

از نظام موجود باید دفاع کرد! اشرف غنی را تنها نگذارید!

در این موقع حساس تاریخ کشور بر هر فرد وطن دوست لازم است تا از نظام موجود ولو با کمی و کاستی هایش دفاع کند و نگذارد دست های از پشت پرده و اما برآمده از آستین گروه طالبان بر سرنوشت این وطن و مردم آن مسلط گردد. موقف کسانی که مثل عطا محمد نور پشت به حکومت میکنند و فقط به خود و قدرت مندی خود می اندیشند، در واقع آب را به آسیاب ظاهراً طالبان و اما در واقع به آسیاب دشمن شماره یک افغانستان یعنی پاکستان می ریزند. اسماعیل خان و یا حکمتیار و یا چند نفر دیگر که خواهان رسیدن مجدد بقدرت هستند، باید بدانند که طالبان وقتی بر اوضاع مسلط شوند و بر قدرت دست یابند، اولین کار شان تصفیه اشخاصی مثل آنها خواهد بود، طوری که در سالهای 1995 و 1996 اینکار را پیش گرفتند.

خلیلزاد با چهره "دایه مهربانتر از مادر" فقط به نفع سیاست جاری امریکا در افغانستان عمل میکند و پروای آینده افغانستان و مردم آنرا ندارد. حکومت عبوری و مذاکره بین الافغانی دام های گسترده دیگر برای ویران کردن این کشور است و امریکا میخواهد به بهانه صلح نام نهاد پای خود را از افغانستان تاحدی بیرون بکشد و اما دست آورد این صلح نام نهاد فقط برای چند ماه پیش دوام نخواهد کرد و حوادث سال 1992 را بطور قطعی در قبال خواهد داشت. صلح زودگذر جنگ طولانی دیگر را در قبال دارد. باید برای صلح دوامدار کوشید، ولو به مشکل بدست آید.

اشرف غنی میکوشد تا دست آورد این 17 سال را تاحد ممکن نگهدارد و اگر بتواند آنرا استحکام بخشد و اما امروز او تحت دو فشار عمده قرار دارد: فشار خارجی بخصوص تهدید های امریکا بوسیله خلیلزاد و دیگر فشار های داخلی توسط کسانی که در اندیشه از دست دادن قدرت اند و برای اعاده آن از هیچ نوع تخریب نظام خوداری نمیکنند. این مارهای دهن آستین و در راس شان حامد کرزی بازی های ناعاقبت اندیشانه را برای ملت و وطن در پیش گرفته اند.

مذاکره بین الافغانی دام تزویر دیگر است که طالبان میخواهند مخالفان اشرف غنی را بخود جلب و جذب کنند و در نهایت خود را محور همه امور بسازند و بعد یکی یکی همین مؤتلفان جذب شده خود را سر ببرند و به دیار ابدیت بفرستند و دارائی های باد آورده شانرا در دست خود گرفته و آنرا ضم حاکمیت ملی افغانستان به باداران خود تسلیم دهند.

اشرف غنی بروز چهارشنبه در گردهمایی ملی جوانان در تالار لوی جرگه چنین گفت: «افغانستان نیز خواهان صلح است، اما صلح پایدار است نه گذرا... صلح گذرا، صلح اقلیت محور است و اکثریت بزرگ را نادیده می گیرد، همچنان در صلح گذرا نهاد های ملی تقسیم می شوند و باعث بروز ملوک الطوائفی می گردد. اقتصاد جرمی در صلح گذرا تقویت شده و به جای حاکمیت قانون، افراد حاکم می

شوند و همچنان صلح گذرا باعث تضعیف اقتدار ملی می گردد. ضرورت است که میان صلح گذرا و پایدار تفکیک صورت گیرد، زیرا در صلح پایدار اقتدار ملی تقویت می شود و تصمیم گیرنده، نظام دموکراسی و مردم می باشند.... هیچ فرد مسئول حق ندارد که بالای انتحار جمعی افغانستان، صحنه بگذارد... در این مرحله حساس نمایندگی کردن از منافع ملی، تدبیر و حوصله می خواهد... هدف ملی ما صلح پایدار است، اما حقیقت تلخ این است که تجارب بین المللی نشان داده که پنجاه در صد پیمان های صلح به جنگ شدیدتر مبدل شده و دلیل آن عجله در صلح بوده است. نهاد بین المللی در خصوص صلح تجارب موفق ندارند، بناً ضرورت واضح است که هدف صلح پایدار مورد تایید ملت قرار گیرد و صلح باید در روز روشن و به اراده ملت انجام شود.»

دیروز خلیلزاد یکی از اختلاف های گفتگوهای قطر را، حاضر نشدن طالبان به گفتگوی مستقیم با حکومت خواند که دلیل آنرا طالبان یکی به نفع رییس جمهور به عنوان یک نامزد انتخاباتی مطرح کرده بودند و دیگر این که نزد این گروه، حکومت مشروع نیست.

اشرف غنی در پاسخ به این موضوع به طالبان گفته است: «اگر حکومت مشروع نیست، پس طالبان مشروعیت شان را از کجا به دست آورده اند و درحالی که علمای جید اسلام در مکه و اندونیزیا گفتند که انتحار و کشتار افراد ملکی مشروعیت ندارد، پس منبع مشروعیت طالبان کجاست؟ صلاحیت و مسئولیت رییس جمهور به دست مردم افغانستان بوده و آنرا قانون اساسی مشخص کرده است. من از طالبان می پرسم که آیا نقشه مذاکرات را خود شما آماده کرده اید و یا دیگران؟ و آیا اختیار تان به دست خود تان است و یا بیگانگان؟»

اشرف غنی داد میزند که او مرگ را قبول دارد اما نمیخواهد شاه شجاع دیگر شود. هموطنان در این لحظه حساس کمی تفکر کنید و منافع وطن را در نظر بگیرید.

برای معلومات مزید یک مقاله دلچسپ را از روزنامه وزین هشت صبح برگزیده ام تا به واقعیت های تلخ رویدادهای جاری بیشتر دقت گردد. اینک متن مقاله تقدیم است:

موقعیت دشوار یک رییس جمهور

هشت صبح - چهارشنبه، ۱۰ دلو ۱۳۹۷

حمید ارجمند

زلمی خلیلزاد از توافقات اولیه اش با طالبان راضی به نظر می آید و تصور می کند که نقشش را در این جریان به درستی بازی کرده است. حالا او از «افغان ها» می خواهد که در مورد مسایل مربوط به خود گفت و گو کنند. به گفته آقای خلیلزاد، «کلید صلح در کابل» است. اگر برداشت من از این جمله درست باشد، آقای غنی باید در مورد توافقات طالبان و واشنگتن تصمیم بگیرد.

آقای خلیلزاد جزییات کل گفت و گوهای خود را با افکار عامه در میان نگذاشته است ولی بدون شک، مطالبات سیاسی طالبان را به اطلاع ارگ رسانده است. ما در بیرون از ارگ همین قدر می دانیم که دو طرف روی موضوع خروج و عدم حمایت طالبان از گروه های تروریستی مانند القاعده در

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

پرنسپب توافق کرده‌اند. رسانه‌های مختلف، از جمله رویترز، گزارش داده اند که دو طرف روی آتش‌بس و تشکیل حکومت موقت نیز حرف زده‌اند ولی خلیل‌زاد این موضوع را رد می‌کند. معاون سخنگوی رییس‌جمهور نیز به روال سابق، با همان لحن قاطع، طرح این موضوع را یک عمل مغرضانه برای انداختن جدایی میان افغانستان و ایالات متحده توصیف نمود.

ولی جالب است که آقای غنی به طور پیوسته روی برگزاری انتخابات تاکید می‌کند و طرف اصلی طالبان را دولت‌های افغانستان می‌داند که گویا: «تحفه‌ی هیچ کسی نیست و با خون زیاد به دست آمده است.» تاکید رییس‌جمهور روی این موضوع نباید واکنشی در برابر شایعات و گزارش خبرگزاری‌های معتبری چون رویترز باشد. به نظر می‌آید که موضوع، جدی‌تر از آن است که آن را بر بنیاد شایعات دانست. واقعیت این است که



طالبان به بهانه عدم پذیرش مشروعیت حکومت به عنوان نماینده مشروع افغانستان، خواستار مذاکره با آن نبوده و در عوض گفت‌وگو با «جریان‌های سیاسی» را ترجیح می‌دهند. بدون شک، این کار از یک سو دولت افغانستان را ضعیف و غیر مشروع نشان می‌دهد و از سوی دیگر هرج و مرج سیاسی و بی‌اعتمادی را میان جناح‌های داخلی به وجود می‌آورد. از همین حالا برخی چهره‌ها در حزب جمعیت مانند عطا محمد نور، از موضع حکومت فاصله گرفته، تاکید اشرف غنی بر مذاکرات با دولت را به مثابه حفظ امتیازات و قدرت یک اقلیت تعبیر کرده است.

با این حال، آقای خلیل‌زاد وعده داده است که زمینه‌ی گفت‌وگوها را مساعد سازد ولی تا فعلاً از قانع کردن این گروه برای نشستن با نماینده‌گان دولت افغانستان ناتوان مانده است. سوال این‌جا است که آیا جانب امریکایی به اندازه کافی بالای طالبان و پاکستان فشار می‌آورد؟

ترس ما این است که خلیل‌زاد بیش از حد به اهداف دولت متبوعش اهمیت می‌دهد. ترمپ خواستار خروج قوای امریکایی از افغانستان است و خلیل‌زاد برای تحقق این هدف تلاش می‌کند. اما، متقاعد کردن طالبان به نشستن پشت میز مذاکره و به رسمیت‌شناسی مشروعیت دولت به عنوان تنها نماینده مشروع کشور، کاری است که خلیل‌زاد شاید به اندازه کافی روی آن کار نکند. راه حل‌های شتاب‌زده و دست‌آوردهای مقطعی که به سرعت باید به دست بیاید، در دیپلماسی دولت‌های قدرت‌مند و با نفوذی چون امریکا نیز دیده می‌شود. بار قبل، روس‌ها و امریکایی‌ها در کنفرانس ژنیو یک سلسله توافقات ظاهری و بدون تضمین را انجام دادند و باعث تضعیف دولت در افغانستان گردیدند.

حکومت افغانستان در حال حاضر با هر دو توافق خلیل‌زاد با طالبان موافق نیست. آقای غنی روی برگزاری انتخابات اصرار دارد که به معنای رد ایده حکومت موقت است، و دوم، حضور نیروهای خارجی در افغانستان را به عنوان یک ضرورت مطرح می‌سازد. البته وی قبول دارد که قوای

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آن‌لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

خارجی باید روزی از افغانستان بیرون شوند، ولی واضح است که موافق زمان‌بندی خروج نیروها نیست، چون موقعیتش را در برابر طالبان و حامیان منطقه‌ای‌شان ضعیف می‌پندارد.

واکنش محتاطانه‌ی رییس جمهور در برابر مذاکرات دوحه قابل درک است. وی در این مذاکرات چیز دندان‌گیری نمی‌بیند که با امیدواری از آن استقبال نماید. گروه طالبان یک اجندای محدود و غیرمنطبق بر واقعیت‌های سیاسی افغانستان را بر جانب امریکایی تحمیل کرده است و امتیازات خود را یکی یکی از فرستاده وزارت خارجه‌ی امریکا می‌گیرد. حتا موضوع حکومت موقت، فارغ از این که به طور بالقوه می‌تواند به راه حلی مانند نشست بن منجر گردد، در راستای اجندای طالبان است. این در حالی است که حکومت افغانستان شعار عدم بازگشت به گذشته را می‌دهد، ولی حکومت موقت دقیقاً بازگشت به نقطه اول است.

نخست، ایده‌ی حکومت موقت به معنای تقسیم مجدد قدرت نیست چون در آن صورت این خواسته از طریق تشکیل دولت وحدت ملی نیز به دست می‌آید و گروه طالبان در این چارچوب، سهم لازم را از قدرت می‌تواند طلب کند. در واقع، طرح حکومت موقت به معنای تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و به تبع تعدیل در حقوق و آزادی‌های ملت افغانستان نیز است.

دوم، حکومت موقت خطر فروپاشی نظم سیاسی و امنیتی را نیز به دنبال دارد. کنار رفتن رییس جمهور بر حال و توافق سیاسی برسر یک فرد دیگر به ساده‌گی خلای قدرت و بحران مشروعیت حقوقی و سیاسی را خلق کرده و با توجه به ماهیت شریرانه‌ی طالبان، حاصل این وضعیت یک اغتشاش دیگر خواهد بود.

دو پی‌آمد بالا در راستای اهداف طالبان است. امریکایی‌ها اگر عمدتاً هدفشان خروج قوای‌شان از افغانستان باشد در آن صورت حکومت در برابر این خواسته‌های طالبان در موقعیت کاملاً آسیب‌پذیری قرار دارد. آقای خلیل‌زاد به خبرنگاران در کابل گفت که امریکا برای خروج عجله دارد و طبعاً منتظر یک نتیجه‌گیری فوری از تلاش‌هایش است. اشاره او به عدم ثبات فکری و تصمیم‌گیری دونالد ترامپ نیز هست که شاید روزی از خواب برخیزد و از طریق توییت به نیروهایش دستور خروج از افغانستان را بدهد.

واقعیت این است که حکومت تنها به نه گفتن به فشارهای امریکا و خواسته‌های طالبان نمی‌تواند بسنده کند. باید ابتکار عمل از خود نشان بدهد. از جمله، طالبان روی نشست با جریان‌های سیاسی افغان به منظور ضعیف نشان دادن و نامشروع جلوه‌دادن حکومت که گویا نماینده‌گی از «اشغال‌گران» می‌کند تا مردم افغانستان، تاکید دارند. در مقابل، حکومت بهتر است که در این روایت طالبان خدشه وارد کند. باید حکومت قبل از برگزاری انتخابات روی مطالبات طالبان و اتخاذ یک موضع مشترک روند رایزنی را آغاز کند. لازم است که در یک نشست سرتاسری با حضور تمام جریان‌های سیاسی و قومی کلان، حکومت حمایت روشن آن‌ها را در برابر طالبان به دست آورد. این کار به طالبان واضح می‌سازد که در موضوع صلح افغان‌ها ترجیح می‌دهند که از یک آدرس و با یک اجندا با طالبان و امریکایی‌ها روی آینده سیاسی کشور توافق کنند. حکومت علی‌رغم مشورت‌های قبلی، یک صدای واحد در پشتی‌بانی از خود در اختیار ندارد. به خصوص رقابت‌های انتخاباتی و تک روی رییس جمهور این هم‌گرایی را بی‌نهایت دشوار ساخته است. بیانیه عطا محمد نور، از تیم اتمر در این مقطع بیش‌تر به نفع طالبان است تا ارگ. چنین موضع‌گیری‌های داخلی مواضع طالبان را مشروعیت می‌دهد تا تلاش‌های حکومت را. (پایان مقاله)

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

د پاڼو شميره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ